

نزهت منی و چمن  
 اداره مرکزی جلالتین  
 کنگه لوچیت پورده نشین  
 کارهای متعلق با اداره پیرود  
 جمال الدین لیسائی المتخلص  
 اویس است روشنه ۱۹  
 ریح الاصله منظره مشتم  
 ماه کبیت سنه ۱۳۰۸ هجری  
 برزویه طبع شده به غیرمیشود

سالن خیم  
 سته هزار و سیصد و یازده

# حکومت

چهار صد  
 قیمت سایرین و اجرت  
 سینصدان چه ده پود  
 ایران انجمن انجمن سوسی  
 اردو سین بیت خیم  
 مالک عثمانی پنج صبه  
 مالک و سه دو نجات  
 نیکو نیندستان چهار آنه  
 ایران یک متران

بدون قیمت نوزده نام هر فرستاده

دین. از هر نه علوم بیخ سی و نواختی می شود و مساعی در آن است و در صورت عدم ارضای هر یک از این

## (مستتر)

بانی برین نوشته بودیم که پس از استعفاء آقای امین الدوله از صدارت مخفون ماند  
 و نشندان ایران بود که حضرت شرف المصباح آقا میرزا علی میرزا صدر اعظم سابق  
 که کدینا بتبیر رسید و کاروانی و خدمات ایشان چه در زمانه شاهنشاه شهبید  
 چه بعد از شهادت در کارهای اینت و غیره مسترار دارنده بود و اصدات طلبگی  
 بر حسب یک خبر مشهور بود که رسیده در شب جمعه یکم صفر المظفر ۱۳۰۸ هجری  
 اقدس شاهنشاهی تکراناً حضرت شرف آقا میرزا علی میرزا صدر اعظم را  
 بطهران طلب کرده اند و در صبح است که طلب کردن ایشان من باب صدارت است  
 الحق این خبر رقی زبانان ایران را مسرتی بزرگ است -

## (اعلان)

کما یکو چنا - رضیخانه طاعونی ایرانیان ابرار گرفته اند من باب که بلای جعفر نام که  
 در بیار خانه دولتی بقیه طاعون برده اند از اصول در رسم این رضیخانه و وقت نیاید  
 پرس بجای شود باید بارکن بیار خانه طاعون چه تا آنکه کشنده و قویک برضی را  
 برده اند در رضیخانه دولتی جز در آن با چه سردی دارد ما منشیو اینم برضی را از بیار خانه  
 دولتی کشیم و مسلم غیب هم ندایم لهذا ایرانیان و ایرانیان را در آن کنگه را بجهان  
 که هر یک از آنها بتبیر شوند قوی بارکن این طاعون دهند تا آنکه از بیار خانه  
 و او را امتحان کند و در آن طاعون بزمند ما زنده و اینیستیم -

## (سیاسی)

باز فنی سیاست اقصی الشرق می بینیم چنانکه در روز و در وقت مجتبی دولت بزرگ

بیتن کرد دولت انگلیس تا اینکه در صفت من تنها در دولت بزرگ می نویسد  
 در برابر خود متفق میداند از روی پرستیک سکوت است کمال خود بافت و در برده بزرگ  
 چیرفت معاصره و سیکوشید و خود در تار و پود پارشا چمن جای داد و بگرفت و  
 چمن از زیاده چهای دول خانه روس آلمان و فرانس بسته آمد و یکو نیست که انظار است  
 زبانی دول خانه بجز جهت صفت خود است زیرا ایند همین بر پانی دو حده و وعید است  
 چمن را از میان بردارد دولت انگلیس که دول خانه خود فرض دولت من نموده بود  
 من اباغ و فرضی خود بوده به عبارته افزوی بر طاقی اند با چار جهت خود تا بدولت انگلیس  
 است کمال عرض نموده در باطن دولت انگلیس رقیب دل خانه قرار داده اند تا چند صبا  
 بترانه آسوده اند که چه بعد از خوابی همه دشوار است دولت انگلیس که در برابر و صد بود  
 با اتحاد دولت متحدی قوت خود را برابر رقبا می نویسد با اتحاد زبون و امریکای مال اتحاد  
 دولت انگلیس از هر طرف اسباب هتیاریده در تمام کسافات بر آمده ظاهر ابار و سوس  
 با اتحاد خانه روس آلمان و فرانسهای مخالفت را کرده است چنانچه از  
 عنوان مکررات این هتیه ظاهر میشود که رقابت در همین روس و انگلیس در سیاست  
 چمن بدیده کمال رسیده از پرده بپسرون آمده است دولت انگلیس بدولت چمن  
 همین سید به که هر کس معارض شود در باره فرض چمن از دولت انگلیس مدعی کند  
 من باب استیاز ساختن راه آهن که چمن بدولت انگلیس داده دولت  
 انگلیس در جواب همی آن دعایت دولت چمن موجود است نیز دولت  
 نیز علانیه بر مخالفت این عنوان سخن رانده است از این خدمات ظاهر میشود که  
 مخالفت در رقابت در همین روس و انگلیس را اقصی الشرق بدیده کمال رسیده  
 دولت کرمی انگلیس بدو استن زاپون اما زونی است ازین روشنی از پیچون  
 چمن جنگ بزرگی از بزرگی کان کرده اند تا بجام که کرده و کنگ -

### اخبارات

فرماندهای بندر... و اگر فتنه از بند حرکت نماید آفرین سیاه را بر سر...

در مقام ناسک چو چایان بوس را فریب آید... از کوه تالی اسلحه و اسلحه بوس...

مکرمت چند سوره... و نیم فیصد ده اند... و بیون رویه اعلان قرض داده...

چهارم گشت... قبول نمودن قرض... در خواست قبول میشود...

بست... این تهنیت... با امانت... و این تهنیت... از راههای این را خواب کرده...

مکرمت... در میان... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

مکرمت... در میان... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

در سه ماه... از بهر... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

بست... از راه... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

بست... از راه... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

بست... از راه... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

بست... از راه... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

بست... از راه... و این تهنیت... و این تهنیت... و این تهنیت...

ملکرافات خارجه

در ماه سوم سید اول - از لندن در پیش شاه کوی ساید و لیتون انگلیس و انار دل ...

و قایح خارطس از شمال فرستاده که دولت فرانس کثرت دارد از (مغلی این) مدیرین ...

و وزیر اعظم بین مغلی این من باب چهار دان در بر کمره اندوهی بین قواعد کتبت شده ...

و در سید اول ایقان بنام کال سی کوشش را نموده و وقت خود را در یاد گرفته است ...

خبر تازه که از فیلا رسیده ظاهر سردار که (جنرال میرت) در سینه زده بگوش رسیده است ...

از جانب دولت آذوقه سفر فرانس را با سپا بنا دارد و همیشه صلح داده است ...

سیار شغل میگرد و با بعضی از قوتن فرانس که تحت فرمان کنت فرمان (کپتان سیما) ...

باز در سید امیر طراد آلمان از دولت فرانس بسیار نهایت کین شده و چون این کسر عا ...

جنرال شافر پر و ت سید که در پیش فرانس امیر کا میم کیم بار در هندون در زاید است ...

سفر فرانس تمیم و شکست متوجه گردیده است که شراط صلح را فیما بین امریکا و اسپانیا ...

و کمال مددی را در قریب بیا نیا کرده است مظفر و ایاز رسیده و سید مظفر است ...

و در ماه سوم سید اول - ایل امریکا از سیدان این امر که در پیش محمدی زاری برین است ...

(جنرال میرت) از چهار هزار و شصت نفر قوتن کالیفرنیا و شکلی بیلا اردوزده جنرال میرت ...

و در ماه اول سال شان در شکست در میان خانه مردم کرده اند - اخبارات انگلیسی در صورت ...

و یک نیا انیت قائم کرد سید ای مدید بجهت یا در کمال بر سر صورت نصیب باشند ...

و در ماه اول سال شان در شکست در میان خانه مردم کرده اند - اخبارات انگلیسی در صورت ...

و قایح خارطس از پاریس فرستاده که دولت روس دولت ایران را منع نموده است ...

که از با کهای انگلیسی قوتن نماید بلکه زیاد برانند دولت علیه و لازم می آید از با کهای ...

و در ماه اول سال شان در شکست در میان خانه مردم کرده اند - اخبارات انگلیسی در صورت ...

و در ماه اول سال شان در شکست در میان خانه مردم کرده اند - اخبارات انگلیسی در صورت ...

و در ماه اول سال شان در شکست در میان خانه مردم کرده اند - اخبارات انگلیسی در صورت ...

و در ماه اول سال شان در شکست در میان خانه مردم کرده اند - اخبارات انگلیسی در صورت ...

مستجدات دولتین روس و انگلیس

استریلیک (که یکی از شرکای پارلمان دولت انگلیس است این را که پیشتر  
که با قصد بره باید از مصداق جنگ کم کرده و نیز دولت انگلیس را نسبت  
من باب علمی که وزیر اعظم در باره شورای دولتی داده در باره دولتین  
دوستانه خواست نموده است لیکن بقدری که آن مجلس همی که بدولت  
چین داده و شایسته خواجه شدن یا نه این عنوان را هم خیلی قوت داده است  
که دولت انگلیس در قرض همسایز ساختن آهن چین لازم است که شش باید  
و نیز سبب ضمانت کند بشرکزین نائب وزارت خارجه در جواب  
انظار داشته است که هیچ امری بر وجهی مناسبت ندارد دولت انگلیس از چین  
این نوع آهسته تدریج کرده است که در هیچ مقام از چین چه در صورتی که  
صوبیات دیگر در از او بروی دولت انگلیس بدینت دینی تصرفات دول  
سازد هیچ صوبه چین از دولت انگلیس ایستاده همان امتیازات  
دولت چین برهنس داده و عینه دولت انگلیس حاصل کرده است علاوه بر این  
امتیازاتیکه از جمله او بر انگلیس دولت انگلیس از چین حاصل کرده از اینست  
بر تمام امتیازاتیکه تمام قریای دولت انگلیس را در چین از ابتدا تا کنون حاصل  
شده است این امتیازات میکند قوت سفارت دولت انگلیس را در چین نسبت  
به قریای دولت خارجه

صفتها

و تاریخ مجاریلین نیز بدین صفت از این شرف عهد والا آقای مل سلطان  
بزرگ ایالت بارگشته هم مال مهربان را در دوشن زور و نیز بزرگ و نیز بزرگ  
سود و شمشید کندم تازه به بازار وقت تمام اجناس شکست بزرگ  
خود نوایی کرده و بزرگ آنها در حال عت آزادی نایب شفاست نیاید در راه است  
مردم حاجی با درونی نیز که کسان بر این چه در اینها با هم صحبت کرده اند  
از آنها کمال رفعت داده و شمشید مالا پیوسته با هم مشوره مردم از نظم آنها  
بسته اند هم من مثل صادق می آید بر حال انبار داران و ایرانی قریب هم  
پست رسیده که کرمی مردم مردمی او کانهای بدو شمشید ناقص بر نجات  
دروانی بود مردم کمال رفعت داده و شمشید آن چاره در حق رعایای  
سایه نهای جان سید او در آستین فقر و قیظ زانو گذاشته حال که انبار  
از این علم و خاندان شرافت و نجابت است مردم بسیار با شکایت از این  
زستان گذشته و سیاهی بر حال از مقام حضرت شرف استعد و لای سلطان  
در باره اهل مهربان از حکومت فرمانفرانی گذشته است و شمشید کرده و اینک کم  
از سوی الی سبک حکومت مهربان را میفرماید بی دروغی اهل مهربان  
اند در حال نیز بر خلاف حکام سلف هم بدوی بایان دارند و شمشید اگر  
داران دروایی را رسد و شمشید مایند بعد از مردم در این بنات شمشید بود

طهران

و تاریخ مجاریلین نیز بدین صفت از این شرف عهد والا آقای مل سلطان  
بزرگ ایالت بارگشته هم مال مهربان را در دوشن زور و نیز بزرگ و نیز بزرگ  
سود و شمشید کندم تازه به بازار وقت تمام اجناس شکست بزرگ  
خود نوایی کرده و بزرگ آنها در حال عت آزادی نایب شفاست نیاید در راه است  
مردم حاجی با درونی نیز که کسان بر این چه در اینها با هم صحبت کرده اند  
از آنها کمال رفعت داده و شمشید مالا پیوسته با هم مشوره مردم از نظم آنها  
بسته اند هم من مثل صادق می آید بر حال انبار داران و ایرانی قریب هم  
پست رسیده که کرمی مردم مردمی او کانهای بدو شمشید ناقص بر نجات  
دروانی بود مردم کمال رفعت داده و شمشید آن چاره در حق رعایای  
سایه نهای جان سید او در آستین فقر و قیظ زانو گذاشته حال که انبار  
از این علم و خاندان شرافت و نجابت است مردم بسیار با شکایت از این  
زستان گذشته و سیاهی بر حال از مقام حضرت شرف استعد و لای سلطان  
در باره اهل مهربان از حکومت فرمانفرانی گذشته است و شمشید کرده و اینک کم  
از سوی الی سبک حکومت مهربان را میفرماید بی دروغی اهل مهربان  
اند در حال نیز بر خلاف حکام سلف هم بدوی بایان دارند و شمشید اگر  
داران دروایی را رسد و شمشید مایند بعد از مردم در این بنات شمشید بود

پانزدهم مسیح الاول و تاریخ خارجه روز از یکین تکراتف کرده که حالات موجود  
چین سابق نیز از یکسایون دول ترک گشته دولت چین کان میکند تعین  
سازد و این انگلیس روس در ساختن راه آهن چین بود امتیازات بنده چین با  
آنکه از این جهت یعنی اصولی که در دولت چین ظاهر بود کرد  
و تاریخ انگلیس از یکین منبع میداند که سیر دولت انگلیس با لغای بسیار گرفت  
علاقه بدو چندی من (قی سی کلی ایسی) انظار داشته که دولت انگلیس هرگز  
نخواهد شد که دول سازه من باب قرض که تصدیه میانه چین و انگلیس در باره  
ساختن راه آهن از (تفت می) اما (تیر جنگ) که امتیازات و خصاصات  
انگلیس از سازد دول زیاد است در جهت نمایند - مردم بعد از آن (تیر جنگ)  
ناب سفارت دولت روس نیز کمین انظار داشته وقت داده است مخالفت  
مردمان با ساختن راه آهن جنگ نیز دولت انگلیس باز هم در آن با  
تقریر شده نموده بود و نیز سالی است که بقدری حالات از دولت چین دیدن  
سهل ناید که مبر را امتیازات دولت انگلیس را در کند -



(مبسی)

این امر لازم به بیان نیست که یکی از رشته های بزرگ تجارت چای بزرگست ساسانی  
 برینها این متاع که زیاد رود اجتناب در زنگنه است بنگاه ایران وارد شده  
 بر وسیله در زنگنه بزرگ دولت روس محض اینکه فایده بسیار در  
 این متاع حاصل شود و در این حال که در کمرک بروی این متاع نهاده و مقدار  
 کمرک را زیاد کرده تا ازین راه صرف کنند از طرف دیگر مستقام نمودن این  
 تجارت از راه باطوم کسب خیر و در برسد بیکدیگر در این رشته منفعت از ایران  
 بریده شد و بدست نمایای روسی اوقاد تا از ک این امر این سستی که با ما داریم  
 آن چنانکه که بسیار زیاد از دستوار است در هر صورت ما اول باید ملاحظه کنیم  
 نوع را فایده و اگر کار فرود کند و ملاحظه شخص ملت خود را کرده باشیم - از آنجمله  
 این متاع یعنی چای سبز و چای سیاه و در وسیله در زنگنه بزرگست ساسانی  
 بزرگ خرید این متاع با بر سر خط جاب همده اتحاد و الا این آقا میرزا محمد با آقا میرزا  
 محمود در حال نیزه نمایند به خط متاع همان است که بر او پیشه و رفیقه آنها هم  
 موصوف است اسامی در بند شگالی آفیس خصوصی با زخمه و اصول درستی در  
 کار کرده که در شگالی چین که مرکز چای بزرگست با کمال مزه جوی و در رشته  
 در طرح خرید چای بزرگه و فرایشات صاحبان امانت را انجام داد و یک  
 سر بدون هیچگونه معطلی روانه بندر باطوم وارد کردند و واضح است که فریدی  
 در شگالی درین معادله عادت کلی دارد و در سبب سبب معاصرت دوی آن متاع  
 کشیده و فرودش برسد و در شگالی بیکدیگر معاصرتی بر آن وارد نخواهد شد این نگاه  
 لازم به شرح نیست چه تجارت محترم خود بخوبی وقت و فوق عمل را ملاحظه نمایند بیک  
 از آنکه طالب چای نیز باشند و کسب ادرس آقا میرزا محمد با آقا میرزا شگالی  
 نمایند و کمال سهولت جواب سوال شده فرایشاتشان ا نهایت مزه جوی  
 معطل خواهد شد با بر شافل متبارقی و کارهای آفیس مبسی که آقا محمد با آقا  
 در شگالی متعل این صنعت فرق المعادله شده اند به خط مزه جوی صاحبان  
 است رنگ نیست که خرید شگالی چای نیز با سبب فرق کلی و فایده بسیار به خط صاحبان

(مبلیتین)

حقاقت غیره اول ایران آب تجارت سرشته شده تجارت خارجه ایران هم ندارد  
 کارهای عمده بزرگست نیزند و در پیش هم میسرند اگر در ایران هم تجارت  
 کز لوی دهند و در جهت صادرات کمپانیها و شرکات اطمینان حاصل نمایند بزرگ

از تجارت خارجه کارروائی خواهند کرد همین یک مکتوب در سهند و تجارت خارجه ایران  
 که بجز اینک منفی در معاملات متبارقی و امانتی مردم محفل زحمات و دشنات فوق  
 میشوند چنانچه آقا محمد با آقا محمد صاحب با افتخار به خط مزه جوی تجارت امانت  
 کاری بای خود را از سبب شگالی در از کرده فیس باز نمایند و حق تجارت در هر  
 معادله کمال محبت را داشته و دارند -

(بهبهان)

و تاج خارجه این بنویسد که مردم سهند در لایه بگم اوبای دولت علیه قالی بیهت  
 خرابی این بهبهان رسوم بنام سدی اعدا فرموده و تا زمانه در از قنات مکه  
 سپرده بهماران بود میرزا نظام حسین نام را بر او بخشش نیزه و در طبیعت  
 از علل که در بخشش مریه است بطهران رجوع کرده و سندی را صادر کردند  
 قنات مکه هم سدی را میرزا نظام حسین سپردیم از قضایای انفاقیه اسامی  
 کثرت در آن خرابی در محرقات پیدا شده با بر سیکه در هر یک قنات سپرده با  
 بودیل دارند بدون هیچگونه تغییرات جاری شود و این سبب بیکدیگر در شگالی  
 از شدت شگالی سدی اطمینان بهبهان بیوقوف برسد هر چه مردم بطهران بنویسد  
 که قنات را بیکدیگر سپارند چاره نمیشود بیکدیگر آدم آید و در هر یک سبب  
 اطفال بسیار تلف شده بعضی از مرض از خوردن آب چاه در بهبهان عود کرده است  
 هم درین خصوص دوی از مطلق دو انکوره است جناب خیر سندی از همین جهت  
 نیز کمال سستی را من باب این قنات فرموده که کسان دیگر که در وقت تخریب قنات  
 بیرون آیند سپرده شود تا کثرت که شنبه نری نشده امیدواریم که در حال دولت  
 قومی مدین در فرمایند و این قنات را مثل سابق بجا بماند با بیکدیگر که  
 از عهد کار بر آید بسیارند و اول بهبهان را از بند بزرگ که شباهت بود و در  
 نجات نبشند - از وقتیکه اکتفا معاضد شاهی را فرود شده است این حکومت  
 بهبهان برده شده خواهی تحت تباری واقف از فرود کارند زیر بار حکومت  
 نیرند آقای سوز نظام که از او کارهای مخصوص حضرت و الا فراموشی ایالات  
 جلیله فارس بجا شهنایت بدر و با کفایت اندولی با این ایالات و شعی سبب  
 که چندین کثرت و شوا بر معده است ازین دو عود و قنات نیرند  
 قنات بجهت حکومت بهبهان حواصن بخت تباری شهنایت فرود نیت را در این  
 حضرت ایالت قدری در قنات مردم در عا با هر بان اند که از کثرت بیرون  
 کثرت بزرگ این است که کثرت شنیده نشده اول فارس از ایالات فارس ایامی  
 ولی ازین ایالات کمال تجارت را در از و در این مکتوب در قنات نیرند و شعی سبب  
 مردم از تبار حکومت مبارکی قد و ششم ایالت نیرند و در سبب از تصدیق نام

کتابخانه

و کابینه مجلس شورای ملی از آنجا که خبر رسید که راه احداث ایستگاه راه آهن مازندران در روسیه  
مجلس و کابینت بهیچوقت از راه روسیه این مورد پذیرش در مجلس شورای ملی  
نمیگردد و در این وقت برای حضرت امیر مین شده نهایت احترام و بزرگواری از حضرت شاهنشاهی  
ایستاد روس و امپراطورین در منزل حضرت امیر به باز دید آمد و نشان بزرگ دولت  
روسیه را بخدمت امیر ادا نمودند و لقب ضیاء افغان را بخدمت امیر ادا نمودند  
قبل از حرکت ایشان تکراراً از نظر رسیده است و بشارت نهایت رفاهای آن ملک  
خبر صاف بپرزوارت پناه و خوش یکی اظهار داشت از این مطلب دارند که اساس  
اقدمات فرق العاده و پیرایه زیاد از طرف دولت روسیه از حضرت امیر شد  
و بزرگی در راههای امین روسیه که عازم قفقاز بود روزی به بخارا رسید و در آنجا بزرگی  
بیکل که باطلیح بخارا در خیابان حضرت امیر کد نات جمیع قلم و حضرت امیر بخارا  
آمد از طرف پرزوارت پناه بسیار ضیافت و احترام عملی آمد و درین مجلس ضیافت  
که میر قوش یکی از وزیر راه نامی امین روسی از طرف پادشاه بخارا آمده و بنا  
و بنا به خبر خدیو قلی بیک حکم صادر کرد که در آنجا که میر آستانه قلی بیک در آنجا  
بیک که بنیابت بر او خود بخارا آمده بود با جمیع بزرگان مکرری و وفری بخارا بود  
جناب میر آستانه قلی بیک درین سفر در کاب حضرت امیر پیش از طرف دولت روسیه  
به جناب امیر عالم جان توره و بعد که شاهزاده بسیار محبوب و انانی و تربیت شده  
بیانند و در مجلسی خرم خدیو که این منصب را در منصب بزرگی افران سر راه با شاهی  
روسی تفرخا داده شده است -

در آنجا چند نفر از آن قبائل بلخ آمده بودند از بزرگاری دولت روسیه  
شده و بزرگی را حسنه امید بود

(فارس)

و کابینت مجلس شورای ملی از آنجا که خبر رسید که راه احداث ایستگاه راه آهن مازندران در روسیه  
مجلس و کابینت بهیچوقت از راه روسیه این مورد پذیرش در مجلس شورای ملی  
نمیگردد و در این وقت برای حضرت امیر مین شده نهایت احترام و بزرگواری از حضرت شاهنشاهی  
ایستاد روس و امپراطورین در منزل حضرت امیر به باز دید آمد و نشان بزرگ دولت  
روسیه را بخدمت امیر ادا نمودند و لقب ضیاء افغان را بخدمت امیر ادا نمودند  
قبل از حرکت ایشان تکراراً از نظر رسیده است و بشارت نهایت رفاهای آن ملک  
خبر صاف بپرزوارت پناه و خوش یکی اظهار داشت از این مطلب دارند که اساس  
اقدمات فرق العاده و پیرایه زیاد از طرف دولت روسیه از حضرت امیر شد  
و بزرگی در راههای امین روسیه که عازم قفقاز بود روزی به بخارا رسید و در آنجا بزرگی  
بیکل که باطلیح بخارا در خیابان حضرت امیر کد نات جمیع قلم و حضرت امیر بخارا  
آمد از طرف پرزوارت پناه بسیار ضیافت و احترام عملی آمد و درین مجلس ضیافت  
که میر قوش یکی از وزیر راه نامی امین روسی از طرف پادشاه بخارا آمده و بنا  
و بنا به خبر خدیو قلی بیک حکم صادر کرد که در آنجا که میر آستانه قلی بیک در آنجا  
بیک که بنیابت بر او خود بخارا آمده بود با جمیع بزرگان مکرری و وفری بخارا بود  
جناب میر آستانه قلی بیک درین سفر در کاب حضرت امیر پیش از طرف دولت روسیه  
به جناب امیر عالم جان توره و بعد که شاهزاده بسیار محبوب و انانی و تربیت شده  
بیانند و در مجلسی خرم خدیو که این منصب را در منصب بزرگی افران سر راه با شاهی  
روسی تفرخا داده شده است -

از کبر و از بنیای سیاسی دولت فونیکه افق میباشیم بیست و نهم فونیکه می بود  
سیاست قدیمی بدون پیشیک فیکشور و فیکشور از آن جهت فراموش در ممالک  
زنده اند اگر کسی فیکشور فونیکه داشته باشد بیکه انالی فونیکه در ممالک از روی فونیکه  
قیام نمودند که کم بیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
آنها از روی امر خارج نیست بیکه در ممالک فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
با کثرت چون بیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
این امر بهیچوقت دولت است بهیچوقت فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
مقام حرب سلم در مقام سلم حرب را شمار که اصول حکم بیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
و با آنکه در کات سیاسی بیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
آنان حرکت کرده و اسباب گرفتاریهای بزرگ پیش خواهد آمد -

آنها را کار با بانی خواهد رسید که کلام بیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
با کثرت از ممالک فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
از او دور کرد که با دراز سرت است و با کثرت در پاره هستنا بوده این است  
شده است بیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
حکومت میر سلطه بالینه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
مساعده در مردم حکومت بنا در آقای نظام سلطه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
آقای نظام سلطه است بیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
تککات بالینه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
و عقبت اهمیت هم در این از عقبت فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
چون فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
که فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
حجت فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
نیست فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
که فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
بال ملک نشوند که آن فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه  
اروز روز که در مردمان فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه فونیکه

الف

و کابینت مجلس شورای ملی از آنجا که خبر رسید که راه احداث ایستگاه راه آهن مازندران در روسیه  
مجلس و کابینت بهیچوقت از راه روسیه این مورد پذیرش در مجلس شورای ملی  
نمیگردد و در این وقت برای حضرت امیر مین شده نهایت احترام و بزرگواری از حضرت شاهنشاهی  
ایستاد روس و امپراطورین در منزل حضرت امیر به باز دید آمد و نشان بزرگ دولت  
روسیه را بخدمت امیر ادا نمودند و لقب ضیاء افغان را بخدمت امیر ادا نمودند  
قبل از حرکت ایشان تکراراً از نظر رسیده است و بشارت نهایت رفاهای آن ملک  
خبر صاف بپرزوارت پناه و خوش یکی اظهار داشت از این مطلب دارند که اساس  
اقدمات فرق العاده و پیرایه زیاد از طرف دولت روسیه از حضرت امیر شد  
و بزرگی در راههای امین روسیه که عازم قفقاز بود روزی به بخارا رسید و در آنجا بزرگی  
بیکل که باطلیح بخارا در خیابان حضرت امیر کد نات جمیع قلم و حضرت امیر بخارا  
آمد از طرف پرزوارت پناه بسیار ضیافت و احترام عملی آمد و درین مجلس ضیافت  
که میر قوش یکی از وزیر راه نامی امین روسی از طرف پادشاه بخارا آمده و بنا  
و بنا به خبر خدیو قلی بیک حکم صادر کرد که در آنجا که میر آستانه قلی بیک در آنجا  
بیک که بنیابت بر او خود بخارا آمده بود با جمیع بزرگان مکرری و وفری بخارا بود  
جناب میر آستانه قلی بیک درین سفر در کاب حضرت امیر پیش از طرف دولت روسیه  
به جناب امیر عالم جان توره و بعد که شاهزاده بسیار محبوب و انانی و تربیت شده  
بیانند و در مجلسی خرم خدیو که این منصب را در منصب بزرگی افران سر راه با شاهی  
روسی تفرخا داده شده است -

باز چند از شهر خارج شده و چهل بندی طول کشید که معاوضت نمود بقصد پناه من  
 کثیر از بیار میباید خوب شکل کرده و شهر آورده و از آنرا کمین هفت چهار توان الی  
 شد توان تعدادت جنس بصورت رسانید رعایای دانات اطراف شهر نیز  
 راه این درخول را بدست آورده و غنایم برده هر یک از آنهاست من چنانچه  
 آورده و جهان قیمت بعضی تبار میفرود شدند با تشبیه تا ده ساله سال بگویند  
 یکی از اهل انبارهای عمده فارس خواهد شد و طریقهها بصورت مردم فله خواهد پیوست  
 چه تمام صدور فارس تنهای ای تقاضا است

### (حکومت فارس و دولتش)

بموجب تگابش اخبارات انگلیسی دولت فارس از دولت علی ایران مستیلا کرده که  
 در درباری مجلس فارس غرض نموده حاصل برادر بنهر باد با چون تحقیق با جزئی  
 نرسیده که کتب قدیمش را نیز میگوید که اگر این عنوان مفردن بصورت شیخ فارس  
 هم یکی از مرکز رقابت دول فرنگ خواهد شد با اینستند با ایای بزرگ با غیرت  
 انگلیس را تاکنون در شیخ فارس رقیب بود میگویند مدت این اجاره سی سال  
 مناسب باشد که اما اشاعه حالتی را بر تقاضا تا آلیه مزاج داریم در عرض یکدیگر  
 مناسب که ما این دو اجاره حاصل کنیم هزار تومان نقصان خواهیم کرد درین  
 عنوان من بعد بحث خواهیم نمود از وقایع کاران انوشیروانیم که تحقیق این  
 فغان را نموده با اداره طبع به بند میباید که اعتبار با روشی ملک نماید و اندیش  
 مکتب کند است

### الف

بموجبیکه اخبارات انگلیس میزنند دولت فارس در سطح دولت انگلیس در سطح  
 مجلس فارس نیستند و چندین بار صد و است که بهر پیر باشد در صورت  
 بندی حاصل کرده و نیز دولت روس ساعی است که هست یا از من راه این  
 ایران حاصل نماید درین عنوان هم وقایع کاران اداره دولتی فله و اندیش  
 غایب چندان ترین بصورت من نسبت الی این امر با پیشین کرده با حاجت با اینستند  
 خاتمه پیدا کرد رقابت دول اروپایی درین و منسلمان انگلیس طلب باشد  
 مروج واقع را قبل از وقوع بایکرو که در آن زمین مبارک بنده است

### (منقول از روزنامه آید)

### تجارت

پس اول بن طلبی با در نیم و در اول بجهاد و بهایای نزدیک خود نگاه نما که  
 شرط تجارت منبها تجارت این است که شش ماه سال کثیرا بشود و درین  
 وطن در آنک کرده بیک کتب درینستند و منجمای فریبت گل شده خست رفتند

نیز از استیلاز آنهاست بجناب امل آفای برز او میمان تمام الماکت نام اقبال  
 فند جناب بجناب امل آفای تمام الماکت ز بهت شوکت منوش و جرح  
 چنانچه جناب نوری الی از جانب نئی المرات خواهد هم الی ابالت کبری  
 فضلا نیز بهستیار حکومت و ادارت و ابالت فله فارس که بیشتر جزو ادارت  
 جناب بنده کان امل آفای تمام الماکت بوده و قرار است و در آن جیاز منالی  
 طراد الی بدست بردارند و در صورتی که در آن خود را بطور نظام در هر کل  
 مقام هر دو است که توجیه مرمت با مروری که مرمت  
 هم خود را نیز از هم بین کنایت و کاروانی از پرتیانی پسند آورده و چنانکه  
 اینستند از یکم خود هم بینه حصول ترتیب جمیع امور را روی نامه بیا کرده با  
 با تشبیه منجمی بحول خواهد رسید و مقصد حاصل خواهد کرد بد چو درین اوقات  
 پیشکدهی جناب نوری الی بجناب فامت با میرزا مصفا محمد دیوان است  
 که فی الواقع شخصی است کامل و کافی و کاروان و در آنست سابقه نیز در کار است  
 تجارت شیراز بوده و امداداتی غلبه را فله نموده و عموم تبار از وضع مسلط  
 فرموده و شته و در جوش را بر تیر می بندند و بهر حال آن نیز کارکان است

### الف

است و نیز از همین اتهام و تشویش جناب آفای اعلی  
 بیکدیگر در اقبال که یکی از رجال وطن پرست ترقی خواه ملت و دولت است  
 الی التیاده نامه و ستیاب شده که تقرب از نمایش و پیدایش آن عموم رعایا  
 بهره واتی خواهد رسید و فله باید خواهد کرد و آن نیست که در دولت  
 عالیله ساز مهارت حاجی میرزا مهدیه و الی که مروری است با وطن پرست  
 چنانچه از بعضی اشخاص شنیده بود با غیر اوقات فاد که فارغی کن که بر ساله  
 نشین در صغای اطراف شهر را در حال بیرون و پس از چند روزی شکیده چنانچه  
 وقت ساقه و چنان از صبح کتبی که جنایت بهستیار را در و منون است هرگاه  
 رعایت بهت بیکدیگر که صبح زود را از بر و مکن بر صبر و آزار نه از آن فایز  
 بزرگند چو ازین قبیل اجناس هر قدر بخرند بخرند با امل قیمت بصرف رسد لهذا  
 اسناد عالیله و شاران را خاطر بیکاشت که با ای است پیش که شته اینکند فله کند  
 و این الی التیاده را رعایای در در سطح و همه و همه از اجزای آنهاست  
 کشنده و در آن بر من رسانید جناب نوری الی نیز شنیده و من پرتی روتی  
 و از این شورش را ایات متروک با کمال خودی از انوشیروان نموده و متروک که  
 اینستند را املی نکران فله کرده و در آنجا آورده و در شری صوبه نیز کتبی با رعایای  
 رعایت اطراف شهر در وقت که با ای نیست پیش که شته با او هر یک کند و در  
 دیگر از جناب کلانم در شته پیش پیش در ام آرنه شاران پس از آنکه اسباب

سپه پیروی در خیال غازی خردت و برادران خدا قاده انصافه جلوه گان و  
 شنبه و خاتمه آنها کمال غنیمت که خدیج گفت نمیشود دست سوال را کشد و چیزی را  
 قلب از قبیل ابروت بزرگ رنگ آن در طرفت دست میت چهار ساعت نیز بیا  
 را از آن پاها که از حلقه خود دست کرده در درون کان خیلا پارچه خواهد شد و  
 با آن قیاسی با چوب چسبید باغ بلورین و یگس بر گردان و قوامی او ان رکوشه  
 برطن ادرین است ...

آه آه پس بجایکیت و منی تجارت چیست ... این سگ را باید به نام هموار  
 خودمان نظری اندازیم ... که دولت سالی از اقیامت و شرفی بر آره تجارت دولت  
 بعضی است یازات تمام این چیز دیگری متروک نیست دولت به وقت شنبه  
 بدون سبب آه شود و شنبه و کارخانه درست کرده و کجانی کشنده ...  
 کونهار در وقت تشکیل یک کجانی بیجا افتاد و فرود کار خود نشان دولت را  
 مثل دیگران بهمین سزا میدهند اگر کس دولت در آن باشد و الا کجی نمیتواند  
 این او عار نماید که دولت مطلق بیجا استراحت بجای خود راه نشاید با اینکه  
 فلان بانک تشکیل داده ... پس این سببی که این ترتیب که اگر در قیام  
 زبلی با نام تجارت ندارد و هیچ سببی که انهم الهای قلب طایب و خیرت الذات  
 و صیبت چون که در وقت فروغین در صدی خود ماملت ایران را که از قیام حقیقت  
 و بصیرت گورمان را در قیام سبب کرده در عرض اول سندی که از با کسب (دو) که  
 خزان لذت او امید اند که در جهان بزرگ را در ایام کجایی خارج فرودت و پول را  
 تقدیم نماید و هیچ سببی در سروده میان پول را با کجایی با تجارت و مملت و کجایی  
 از ایسبید ... و اگر قیام از خود سندی با کجایی تا ساعت آفرین پولی  
 با کسب (فاضل) تنزلی او بیکرند ...

نمانند بر مملتون و کجی تصیص است این روزها اردوی باشکوهی و چمن رونق و دل  
 دار بعضی غنای می باشد مستعد خواهد شد و اردوی هم در خارج شهر در آنجا  
 شاعر علی بنی سندی به مستعد خواهد شد فرمود -

خان حاکم مکران اریکل ... همان نوعی که بیست را از کجانی برده است  
 پیوسته در آنجا که اهیست غنای و مکرانی آنجا بنامی حاکم سلف معلوم است  
 نوعی رفتار فرمود که تمامی همان مملکت و حقیقتاً شایسته آنجا که حاکم پیوسته  
 کجانیات جناب به کتاب آقا محی رشید الملک ایرتومان است غنای و مملت و مملت  
 در خط اریکل اقیامت آسودگی و سلامتی سرمدین دولت علی ایران با دولت  
 رسید از مراقبت جناب رشید الملک برسد از این روزها مملت مملت  
 اندک ساسد و الا دلعهد و سبب شرکت سرور در شایسته

(الف)

و قایم کار عملیترین چیزیست که در وضع آن قدری مشورت است ازین رو حضرت  
 مستطاب اجل اگر تم آقای امیر نظام وزیر کل مملکت آذربایجان است که شایسته  
 حاجت را طلب فرموده بهای حصریه ترتیب داده اند و مملت های باغ شده است  
 امید است عاقبت با بهای ششم شخص وزارت درین سلسله امیر مملت و کجی قرار  
 دهند تا اسباب آسودگی عامه رعایا باشد -

ریاست تشون آذربایجان از جانب الا حضرت آدرس لایت و مملت شرکت  
 بسیار بد حضرت اجل اگر تم فحتم آقای امیر نظام دام اقبال کجانیات و کجانیات  
 اشرف الا نظرات سلطنت که آید با کار آن با کجانیات مملت از آگاه آسان  
 میباشد سپرده شده -  
 صنعت عالی باقی که در حقیقت است منایح عتیقه فرموده ایران است از من دست  
 و عاقبت انیشی در مملت پناه صلی کلانتر طالب خزان و مملت خود با همان رونق  
 گرفت بیست سال قبل کارخانه حال باقی را آن در مملت از ممال خارجه در مملت  
 آورده در باغیته خود که داشت عالی باقی را در اوج داد امروز از ممال کجایی  
 و مال اندیشی آنروز هم تجار مرم و شیرکان مملت خود اهل و مملت این صنعت کجایی  
 شرفی از کرده اسپندی و عالی کلا تسر مرم کرده این صنعت که از منایح مملت ایران  
 بلکه امروز از دستاره های است تر حاکمی یا از است چنانچه در خط آذربایجان زاید  
 بر سه هزار کارخانه عالی باقی که در مملت است نیز از دستگاه باشد از احتیاجات  
 گرفته تا قرا از کجایی کلانتر شرف عالی باقی مشرف اند و حقیقت چنانچه از ممال خارجه  
 ازین ممران میفرند و با این راه مستکش زندگانی حاصل بینمایند الا کجایی در  
 باغیته جناب اجل میرزا صالح خاتمه ایرتومان با تجارت جدید عالی باقی که

و بالا تر ازین از قانون ذیبت خود مطلع و با خبری که انهم با ابار آوردن و  
 با بنای وطن خود و مملت خود کجانیات و مملت و مملت رسوا و آید مملت  
 مملت مملت است با وجود اینها مملت و مملت مملت که عرض این مطالب کجایی  
 نموده و مملت از ممال کجایی مملت که خودمان سیدانم با ایرتومان در مملت کجایی  
 که سادان مبارک عدید و مملت مملت - (باقی دارد)

(تفسیر)

و قایم کار عملیترین چیزیست از آنکه مذکور میشود بندگان حضرت مستطاب  
 اشرف الله صلی الله علیه و آله و سلم شهر منربا و کوش مملت از ممال خارجه  
 از ممال خارجه مملت که در مملت مملت مملت حرکت خواهند فرموده از ممال خارجه  
 معلوم میشود حضرت مستطاب اجل اگر تم آقای امیر نظام هم درین مملت با حضرت آید



یا کارا در بزرگوارشان است موجود دارند - چشود که هفتای طبعیت  
که در بیسیس همه که در هفتم خیریه و اسباب ترقی ملک و تاسعی و چاه از درین  
که اسباب در سفیدی ملک است کمپانی اقامت نموده این عمل از آنجا که در وقت  
و نام یکی بپوشد که از او بپوشد خود را هم خوشوقت نمایند - اجبار نیست  
الحق این خبر بجهت وطن پرستان ترقی خواه بشارت بسیار بزرگی میباشد و از آنجا که  
در مردم جامی کلا تر که شامی فرس کرده اند که تا زمانه در از تره و بر انبای وطن  
میچینند و منتفع میشوند آنچه کارا با داره اطلاع رسیده درین عمل در خصوص  
موجود است یکی اگر بعضی متطلبین رنگ جهر را بکار میبرند و این سیاح عزیز را  
در بازارهای خارجه از رونق می اندازند و کسا و می کنند و دیگر آنکه اگر درین  
بزرگ تشکیل کمپانی شود و بدینسان آن کمپانی کارخانجات احداث نماید منت  
کلی خواهد شد و مردم زیاد درین شکل شرکت نمایند که درین حد که کارخانجات  
پوشید و از تره زمین چاه سپهر از نفوس کار چار و صد سپهر از نفوس از پیش  
فرماند برون و این است منوط است به تأسیس کمپانی

**(مسکالک سیاح ایرانی با شخص هندی)**  
**(رفردویم عنوان اول)**

ایران - سلام حکیم - هندی - علیکم السلام - ایرانی - در روز هفتم  
بدید که از وصول و ایصال ایالت هند و عوالمات آن چیزی اظهار دارند -  
هندی - جناب آقایایات عوارضات هند بسیار است شاید اسامی همه را نماند  
و ظاهر آنچنین میدانم یکصد و بیست عوارض است که اهل هند میدانند چون وقت  
تک است نیز آنهم همه را بیان کنم و بنسبه غالب نامهای او بکلیسی است شاید  
چون شوم از هر چه آن و از روی قطع بدانند که ایالات عوارض اهل هند زیاد  
بر اهل ایران میدانند فرق اینست که در ایران عوارض یکصد دولت نبرود و در هند  
تمام عوارضات حکم ایالات را دارد و در کتابچه دولتی ثبت است و حکم آنچه در  
میسیمانند از روی فقر دولت است و آنچه عاید میشود بجزیه دولت عاید میشود  
حکام را طاقت نیست که اضافه از آنچه در کتابچه است از عاید نماید در عاید  
از آنچه که با به دولت بدهند مطلع اند و قبل از وقت بر سر نشاندن اینها در خصوص  
بسیارند و بعضی رسیدگی کنند و ابد اجتماع نمیشود که آئین چاقی این را در عرض  
جاری نمایند - ایرانی - رعایا در این هند از کجا اطلاع حاصل نمایند  
که حکام از آنها اطلاع میکنند - هندی که آنچه ایالات مطلع رسیده و هر چه  
بیتت نازل یعنی قیمت کاغذ فروش میرسد و اگر عوارضات ایالات جدیدی هم  
شود قوی میزند که بپوشید ازین رو تلم رعایا از عوارض ایالات ملک آفت

و امیرین هم چون بپوشید رعایا از کجا بپوشد دولت مطلع اند هرگز یک دینار اضافه  
مطالع از اینان نمیشود اگر روی هم بفرستد حساب شود در بنده کند بنهاده و چرخ رعایا  
بر اسامی که باشد بکینه و دولت سرود و فرق بین است که این جاسر را با پیوسته از این  
دست را با ساطع قطع میکنند اگر این هم حساب ایالت عوارض را نموده و در راه  
کتابچه دولتی در هر که در طبع نمایند رعایا این ایالات در چهار دو کار نخواهند  
و حقوق دولت هم با مال نخواهد کرد و در دست از دولت نیز نمیرسد و اول این از  
بسیار شرط است اول آنکه حکام و امیرین و جبهه ای حکومت حق فروش زمین  
دولت باشد و بلکه اجاریات متوقفند و ادارات برقرار شود دوم  
فرضین در زمین با پیش بند ایالات دولت نام برسد از روی سلب  
ایالات ملک مطابق تصانفر نمایند و از روی همان تصفیه کتابچه دولت مرتب  
و طبع برسد و در بازار قیمت نازل بفرستند تا حکم و حکوم از تکلیف خود واقف  
ستو حکم مکن و این متنی بجهت حکام و فضا و دیگر ای حکومتی جاری نمایند که هرگاه  
بروز از رعایا چیزی وصول کنند مستوجب سیاست سخت شوند چهارم مناسبت  
زراعت بر شهرها و محلی را معین نمایند که ایالت بفرستد دولت عاید کرده و در  
علاقه کرده و در سر مرحد ایالات خود را رسانید بجهت معین نمایند از آن جهت  
که فرستند و در آن وجهه از عوارض روانه اند و این قوان از چوب شلاق اثرش  
بیشتر است و زمین صورت رعایا بسیار و در سر مرحدی دولت را خواهند رسانید  
البته در آن صورت لزوم بفرستند عوارض چوب شلاق نخواهند ایرانی  
بفرمایند بدانم که در هند بجهت وصول کردن ایالات از رعایا چه اصول اختیار کرده اند  
هندی - دولت اهل را معین کرده و بجهت رسانیدن ایالات اگر دستور آن موافقت  
ایالات ملک خود را رسانید عدالت حکم میکنند بهر ارج نمودن آن ملک بهر قیمت که خواهد  
پیدا شده آن ملک را می فرزند بعد از وصول نمودن ایالات که بخواهد فروش و مباح  
استهتار آنچه از قیمت ملک اضافه شود با ملک او بپوشید و غالب کلها بشود  
از عوارضات بفرش برسد ازین جهت در ایالات قبل از وقت وصول میشود و از  
خوف فروش ملک بهر قسم باشد رعایا بدهت ایالات خود را کرده و برسانند بکلی  
حقوق دولت مناسبت نمیشود این حکام در صورتی سفید است که کوشش عام با او در بعضی  
بعضی عاید شود - ایرانی - آمدن کافه ایالات از رعایا بپوشید این  
رسید میدهند یا نه آیا قیوضات که سفید میند طبع است یا بجهت بار کام است  
که روی هر سه کاغذ خواهند بپوشید - هندی - حکام را اجازه قدرت  
نست که در وقت مطلقه دولتی بر رعایا بعضی دیگر بپوشند و بر رعایا بعضی میدهند  
نمیشود است یکی را بر رعایا بپوشند و یکی دیگر بفرستند دولت سفید کند که در آخر سال



اندولی آن حساب شود این از تجربه ما با فایده دیگر مسلم دارد که اگر ایالتی  
 در جهت کم شود ضرورتی که آن باشد نتواند در فرزند از جهت وصول نماید  
 ایالت عوارضات این قسم وصول نمایند و بالتام در ضرورت وقت شود  
 در یک از آن عوارضات را به خارج مخصوص دارد که چنان معرفت میرسد شد  
 آنچه را به تقسیم عت وصول شده در سر رشته تعلیم صرف شود وقت مجتهد  
 نماید از یکصد بیت عوارض در هر بند از ما با وصول شود و بعد یک فرد را  
 در مجموع عظیمه در سر رشته حاضر از در ایران ششصد و یکصد کم پیش ایالت  
 و صد بیت با یکت یاد و کم عوارضات میدهند ملک و وصول این جزئیات  
 عوارضات آئین چاقی بر پیش می آیند صد بنیاد و پنج الی هشتاد الی ایالت  
 و عوارض میدهند ایالتی چوب این فایده شیشه و مال آموختن ایران نسبت  
 ایالتی است و تمام از تمام ایالتی تمام قانون است و ادارات است  
 و ادارات برست و راست لفظه فصل نمود خواهد شد و مانده فصل مدیون  
 با آن در رسم چسبند و ادارات تمام خواهد بود به این آتش مهر پیش خواهد بود  
 از در حال زیاد در این فایده اگر ممکن شود و در ایالات ناما از فرزند  
 ایرانی - قدم پیش می فرستد

مقام شایسته برای که از وقت آب باقی نماند و مصارف این غیر از این نمیکردند  
 معاملات بلیغ فایده ملی آشفته است غالب سیسترن و یک نیم درین مسائل در  
 بهر رسید در صد وصول است بسیاری هستند تا این چیز برای از خود در  
 وصول قائم نمایند اگر در حال دولت علیه علاج و انعامات نمایند اموات  
 دیده خواهد که کماتین در ایام سینه چیده که تمام حیوانات بسیار که در این آب  
 مسائل رسا در فارس بیان کنیم سیسترن در حال در سینه ایران از نهاده  
 دارد که مطلب بنمایند -

ایمان در بالای شطیل بنای زیادی را بنا کرده بودند و هر ما از که در یکصد  
 و یکصد با یک فرج بهادری از بند بر کوی آنها حسرت نمود و در وقت فرج بود  
 از بندین در چارنده جنگ بسیار شده است لغت کج ایچیل در بندین  
 مجموع و مسئول شد و نفعاتی ایمان معلوم نیست -  
 دولت چین ستن راه آهن (کین) (ماکتو) را به تبار بزرگ قطره است  
 نموده است -

مترکزین اظهار داشته که دولت چین از ستن است بسیار که در ستن راه آهن  
 دولت انگلیس داده کمال طمان داده اند و مدتی مساله دولت چین بزرگ  
 طرفدار است -

در کلسیری وزیر علم ننگان در جواب (ارل آن کبری) من باب واری  
 انگلیسی همین اظهار داشته که دولت چین در کار و ایستهای دولت انگلیس مطابق و  
 و کال به سراسری را نیز در و خیالات دولت ستن را ایستاد و ایستهای دولت  
 انگلیس بهتر است نسبت بدول سازه ولی سائر دول دولت چین و از ننگونه  
 برای باز داشته و میدارند که ایست دولت انگلیس را اجازت داده و ستم که  
 دولت چین را آگاه نماید که اگر دول سازه من با ایست یا ستن راه آهن که  
 انگلیس داده شده اعتراض نمایند دولت انگلیس در حمایت چین بر این ایست  
 و ستم بسیار است -

**(تاسف بکصد)**

قره نر باکت ریختن پولیس در قاعه آقای این التجار و کیفیت دیدار از روی اخبار است  
 نوشته بودید تفصیل این ستم است که یک فرغعت بگردد پولیس در قاعه آقای  
 این التجار در چند خصوص تر باکت بنای تجاری که اندام بعد از خمس از خمس آن  
 بیرون می آید اول از نرلی کی از چهارم دوم از نرلی حکم محال ستم در نرلی  
 آقای این التجار در آن روز از حضرات مناسبت گرفته ستم می نمودند و در چهارم  
 پولیس ستم در نرلی و بعد از آن ستم در نرلی ستم می نمودند چهارم در نرلی

**(اخبارات جاریه)**

اخبارات از هند سینه غلظت قدر و بزرگی در بر سر سبک در آن من هم  
 اند که فرانس و قهستانه بزرگ فرانس خواهد بود -  
 طایف حضرت امیر اطرین هندوستان بیادت فرزند و سینه و ایستاد و سینه  
 پیش آن و بزرگ و سینه و سینه شده می و یک ملاقات پیش آن و بزرگ  
 را نمودند -  
 کوشش اینک چهار ده آئین در زمان فاضل را طایف سینه که بنای با سینه  
 سینه بیستبار می شود و سینه مناسبت کرد و سینه بزرگ سینه و سینه  
 بسیار شده در سراز نامی طایف سینه است که است -  
 سلطانین پاشا بهر برای او دوی سینه من با سینه در نرلی و در نرلی  
 سینه و سینه در نرلی و سینه که در کار و سینه سینه و سینه  
 سینه (سینه نرلی) در کار نامی او قائم مقام شده است  
 و لا حضرت در سینه در سینه و سینه و سینه و سینه و سینه  
 روز از پولیس خواهند شد -  
 در ال بغداد و سینه کاشته که هر سینه که در نرلی سینه و سینه و سینه

که امتش در آن ماه مسلم و احق علی بن ابی طالب و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است  
از سخن فاعده و قانون دانان که این اخبار از کتب قدسی و در دست ما بود که در دست  
شده و در باب زیادت است و در اصل شریف است که خلاف آن  
خلاف شرح همین است که خوف بر ابدی عزت و در دست چنانچه شده و دیدیم و  
قبل ازین هم شده بود و در اخباری که این اخبار دیده بودند -

### (جبل التین)

اکنون آنست که ازین حادثه و در این مجال اسباب منجی باشد هر صورت بر این اخبار لازم است  
که بجز اخباری که در دست خود این مقدمات نمایند و در جوار آنکه داده اند  
بازستانند مردان مسأله خیرت بجز اخباری که در دست خود یک و پیر می باشد بزرگ  
خبر میکنند این دروغ سیاه بروی آنها نماند امیدواریم این اخبار هم تصدیق  
آید کند و در جسد از را باز کرد -

### (نیمه ملکه فاطمه)

۱۴ صبح العدل - ستره لیان که از طرف دولت سپانی و کل مسلح است و در  
بستر کشی رئیس جمهوری دولت آنازونی خلقی شده که عکاسی کل طریق نخلی است  
آنها ننگورده ولی شکستی آنها از اخبارات نخلی است چون در یاد این نشت نخلی  
دشمن اندکان نیک بر آن غیره و علاوه در زینک تهیه و در کار است که یکی را تبدیل  
و اخبار دشمن است که تبدیل نخواهد کرد -

خبر زنده بودند سوادینان بر آنها آمده و هر سه سنازده و غیر آنها که بل رسانیده اند  
قشون جنرال سلیس امریکایی در بندر یک ساره سن چون که بجزه خراج برقی ساخته بودند  
تصرف کرد و قشون بطرف شمال بندر یک ساره فرود آمده هر گاه که قشون امریکایی آورده  
در میان با کمال خوشی پذیرائی میکردند -

شازده هم سوا یکبار در انزوری قبیله کمان شده بود و در جواب آن مکر کردن میگوید  
دولت انگلیس خبر رسیده که دولت ساره سامی رجا در آنکه در خلیج فارس بندری  
بعضی خدازند ولی بطریق و فوق این خبر تصدیق نمیشود و آنم که همین فتد میگوید که بواسطه  
تخلیج فارس با دولت انگلیس است و بواسطه روسها که دولت انگلیس در روس  
فارس وارد نیست و در فارس دولت استخاض میباشند -

خبر از اخبار پس اشاعت نموده چون با پیش نمودن دولت روس دولت ایران را  
در عرض گرفتن از دولت انگلیس از مکر کردن ناسی زارت خارج سوال شده  
مکر کردن جواب داده است که بواسطه هم پیش پای بسیار انگلیس فرض و او در این  
را قبول کرده است و نیست بیان کرده که بهمنروز دولت ایران را آن  
که این را پیش آمده است پیش نبوده که در نوم با فاند دولت انگلیس شود تاکنون  
دولت ایران از هیچ طرف بمورد نیست -

بنفتم صبح اول - رئیس پارلمان دولت اسپانیا (کنگره کاتالان) پس از  
شده با تمام یکسوم سپانی صحر بر این نبوده اند که بزودی با مجلس شورای دولتی  
مقتضی شده و در این صبح فصد شود -  
قشون جنرال یلسن جانب شرق بندر یک ساره را نیز تصرف شدند -  
اخبار نو برسیا - مسلمان سید که دولت روس در بالای برادر سنی با فته  
اراده دار که قوه بحری خود را تحویل نماید -

### (حادثات ممالک عثمانی) (حسب کشایش قیام نگاران جبل التین)

بنفتم صبح مسلمان از اطراف و کناف جنگ عثمانی و عمده ای سلطان حجت  
از بعد جنگ و هم روس چهار صد و پنجاه و شصت هزار از مسلمانان از اطراف  
کناف حجت جنگ عثمانی نوزده تخمین زاید بر دوازده هزار نفر از جمله روسی  
و سایر فرق نزاری ممالک عثمانی با هم حجت آمده اند -

این مسلمانان چند از بزرگ در دست دولت علیه عثمانی و مسلمانان ثابت مسیما یکی  
تقدی و کفاف و با دانی و دیگران مسلمانان مانع شدن مسلمانان از ادای رسم  
خدی مسلمانان پر و شرح است اگر نسبت مسلمانان نمی نند و آنجا در کانیست  
خود از او باشند شصت حجت که بزرگترین زحمت است هرگز که از آنها بگذرد -

پانزدهم - صبح اول - آخر از دولت اسپانی تمام شد و این صبح را قبول نمود  
مغلوب است که تا بنفتم آینده تمام مراتب مسلح عمل آید -  
رئیس جمهوری دولت آنازونی اخبار داشته احوال هم نموده است که تبدیل و تیزی  
در شایع خواهد داد و در امور شکیک اهمیت آن کم است -  
چون در دست قشون امریکایی که تحت فرمان جنرال سافر در سنیا کو در پیش روز  
افزون شدت میکند و زیر جنگ اراده حرکت قشون خود را از کوبا با هر دو  
و قیام نگار نیوا پاک هر لاه و شکستن اطلاع سید که رئیس جمهوری آنازونی را  
عزم را شرح است و بعضی بندر (یکو بکو) که در مسلح (ساموا) واقع است  
بجهت اسپانیا روز غیره در حال -

بجای یکی امریکایی که موسوم به (مسپسی) بود در بندر یکو بکو کل شسته نهایت دشوار  
که بیستون بیاید بر روی صبح اتفاق قشون قشون را عمل بجهت دیگر کردند -  
یک نفر با چهل یک نفر که از بیست و شش نفری از قیام بجهت صاف کردن راه دادند

آمال اردو با همستان آزادی رعایای خود را در اسم بی بی از روی دولتیک  
 سید هند ویران زمین بر آسمانند که تصور آسمان است تصرف در زمین  
 ذهبی در پیش رفت مقاصد خود تا آن ملک امدان مسلمانند و این  
 بسم عوم جاری میشود آنچه را که تصور خود آشناست مسلمانند -  
 دیگر آنکه این جرت در باره دولت عثمانی بوقت سید خوش رعایای بال و است  
 عثمانی و آشنایش حاضر رعایا آزادی هر فرق در ادای بر اسم زمینی خود  
 اگر این برایش باشد بود رعایای این در وجه در ملک عثمانی جرت میکند -  
 شد که اگر آن رعایا ت فرق نامیده میکند آنچه معاندین دولت عثمانی در علم و جهل  
 بر رعایای عثمانی ذکر میکند مخصوصاً حقیقت کوئی و نهاوت نبود و هر چه شرف است  
 چونکی خوش آن رعایا ت محمول بوده بودند (چنانچه از آن در کرم نایت کردید)  
 که این جنبش در محکمت عثمانی آزاد بود درین عرض این تعداد مندرج جرت یک  
 عثمانی بنسب کرد -

سلطنت و اول حضرت فرید در رو با اجازه همحضرت سلطان بوده است  
 بمنظور آنکه والا حضرت فرید ملاقات امیر اطوار روس در تبریک نزدین افروز  
 شو نیز سیاری از سیال سیکت بزرگ درین سفر نظر است  
 دولت عثمانی در این ملاقات تملی فراموش ماسل کرده اند که اشغال بمسائل  
 کرمیت باقی است که این نیز روی فیصله فراموش تمام هم رجال دولت عثمانی تصور  
 است و پیش ازین سلطان محمد سزانت خود هم از تملیح انیسکه است  
 دو طبقه رئیس در این بن باب مشغول نمودن دولت عثمانی طرف دیگر تا  
 مقاصدشان در چین بدون مانع حاصل شود با دولت عثمانی حال مسرلهای  
 را دارند دولت آلمان که تا پیش با دولت عثمانی لازم به بیان نیست در قیاس  
 زمان محمد سزانت زاهدت بزرگ دل غلام واقع خواهد -

همحضرت سلطان تمام توجهات خود را در دستبرد میزدول و نهفته اند اول ترقی  
 در وقت سیدیمت و فستلح بر اسس مختلفه دو تمیز جنبه ذواعت از دیون  
 خارج سوم تکمیل نهجعات قوه بحری ایتم که حالاً درین سه امر مشغول  
 کرده حال درین سوال کند دولت علیه عثمانی در بر سر تکی سبقت از انگلستان  
 خود دارد -  
 مسیح منته و با یکدیگر در مسلمانان و در دست جدیدی در فن خاص در ملک  
 عثمانی دارند -

من با پیشبندی قوه مجاز در دفع قوه ازین رجال دولت علیه سالی میبار  
 بر روی برنده از جنبه دولت علیه شخص اقدس سلطانی اعانه و عزای کل ال

حق بیان شده است -

این افوا که اخبارات خارج از این پلوس ای ناک عثمانی میشود هیچ به تصور  
 صداب نیست در تمام ملک محسوسه حقان کمال است اخبارات خارج از این  
 پیشگی که در این افوا است کذب و بی ثبوت میباشند -

(اخبار استعرا فرزند)

مرض طون در شهر بی خدان شدت که در اول در خلافت بمبلی که مرض طون  
 شده بود زنده رفت باز می کند و از سر این طون را جاری نمود -  
 در اول اکت هفت نفر در سببهای بطعون و بجز تلف شده اند - کراچی  
 دوم که ت شتر جلا در و نوزعت شده است طون در سبلی که در مقامات بمبلی است  
 نسبت به استعرا تیش است است که می بر او به شدت شدت لیکن در مقامها  
 نفاط هندی شکست است بدین هفت هفت هفت در فایب مویجات هندی که می  
 مانع شده آواز شکست است از آن است هیچ تمام فید نیست اکنون حاصل بند  
 در کمال خوبی است ولی هنوز نمیتوان گفت که کزغ اجناس در مندرج سابق است  
 در بسیاری از مقامات شدت با دران راهبهای این واقعات رسانیده است اگر  
 است ماه تجارت هفت هفت هفت و گسند و سوار عمل شود یک نف از وقت از آن  
 کم خواهد شد و لی این امر محال معلوم میشود اگر شکایت از مرض طون بود میگویم  
 که سالی برای هفت این سلاستی بوده است از آن ظاهر میشود که مرض طون هنوز  
 دفع نشده و رسم که او را تخفیف داد و مال که در بر ما میروم با این مرض  
 شس شدت میکند خداوند جسم فرماید

(کالکته)

برای کلکته تکب شده بازان هم هر روزی با است شروع در رسم سر و ایام برسات  
 بعضی از مرض از قبیل تب مرفه و ذات البنت بجزه زیاد میشود این اوقات که کزغ  
 بدی برای کلکته است ممالک مردم از امر من ممالک هم شکایت دارند با وجود  
 با درین باره ای مانع دو هفته است نیست در کزغ ترقی میمانند است اما طون  
 آنچه ظاهر است این مرض در کلکته بوده با اگر مردم است مانع شده چون در این وقت که در جاده  
 در مانی رعایا میل دارند که بروی قانون طعون در دست خود و در تقریرات خود هر چه  
 بودند که کرده و در کسی جنای بظافت شود و کم خواهد شد که کلکته طون این در وقت  
 چنین است که هر چه در قضاوتها چند که در این قانون است که است که در قضاوتها چند که در این  
 قانون است که هر چه در قضاوتها چند که در این قانون است که است که در قضاوتها چند که در این

حلال الله